

DOI: 10.30495/jss.2022.1959281.1460

Research Paper

Evaluation of the Sociological Components of a Recent Decade of Cinema with the Approach of Social Anomalies

Masoud Jabbari

*Department of Architecture, Shahre Qods Branch, Islamic Azad University, Shahre Qods, Iran
(Corresponding Author). E- mail: Jabbari@saeb.ac.ir*

Reza Dorostan

Ph. D. in Architecture, Researcher in the Field of Architecture and Urban Planning, Member of the Club of Researchers and Young Elites, Lecturer of Islamic Azad University.

Neda Masrori Janat

Ph. D. Department of Architecture, Faculty of Non-Profit Higher Education Institute of Saeb, Abhar, Iran.

In the field of society, factors such as emotional breakdown, fattening of the urban middle class and weakening of the family foundation have increased social anomalies and increased crime. The spread of western culture and the creation of cultural dichotomy, the disappearance of traditions, the increase in divorce rates, the normalization of drug use, are just a few corners of the false culture that cinema has brought to society. This study seeks to find the productive role of Iranian cinema in social anomie. The research method was descriptive-analytical in the shadow of statistical analysis and was generalized by library studies, film analysis and questionnaire. The analysis method is based on the analysis of cinematic works, multivariate regression Test and the technique of semantic differentiation and output of "SPSS" Software. statistical samples of this study were randomly selected from the elite and ordinary Citizens. Findings from the study show the impact of cinema on issues such as Norm-Breaking, white marriage, divorce, infidelity, asylum and immigration. The highest prevalence of crime statistics in cinema is in the field of criminal offenses with 31%, financial crimes with 20% and sexual crimes with 14%, respectively. According to the research findings, the results show that, not paying attention to the mentioned factors in the social context can lead to sociological anomalies.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Crime, Cinema, Sociology, Social Anomalies, Identity.*

ارزیابی مولفه‌های جامعه‌شناسانه یک دهه اخیر سینما با رویکرد ناهنجاری‌های اجتماعی

مسعود جباری^۱

رضا درستان^۲

ندا مسروری جنت^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۷/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱

چکیده

در حوزه جامعه، عواملی هم‌چون گسست عاطفی، فربه شدن طبقه متوسط شهری و سست شدن بنیان خانواده، موجب افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و افزایش جرم و جنایت گردیده است. رواج فرهنگ غربی و ایجاد دوگانگی فرهنگی، از بین رفتن سنت‌ها، افزایش آمار طلاق، عادی انگاری مصرف مواد مخدر، تنها گوشه‌ای از فرهنگ غلطی است که سینما برای جامعه به ارمغان آورده است. این پژوهش به دنبال یافتن نقش مولد سینمای ایران در آنومی‌های اجتماعی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی در سایه تحلیل‌های آماری بوده و به وسیله مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل فیلم و پرسشنامه تعمیم یافت. روش تحلیل مبتنی بر تحلیل آثار سینمایی، آزمون رگرسیون چند متغیره و فن افتراق معنایی و خروجی نرم افزار (Spss) می‌باشد. نمونه‌های آماری این پژوهش از میان نخبگان و شهروندان عادی به صورت تصادفی انتخاب شد. یافته‌های حاصله از پژوهش، نمایانگر اثرگذاری سینما در موضوعاتی هم‌چون عادی‌سازی هنجارشکنی، ازدواج سفید، طلاق، خیانت، پناهندگی و مهاجرت است. بیشترین پراکندگی آمار جرایم در سینما به ترتیب در حوزه جرایم جنایی با ۳۱ درصد، جرایم مالی ۲۰ درصد و جرایم جنسی ۱۴ درصد می‌باشد. مطابق با یافته‌های پژوهش، نتایج نشان می‌دهد، عدم توجه به عوامل یاد شده، در بستر اجتماعی می‌تواند ناهنجاری‌های جامعه‌شناختی را در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: جرم و جنایت، سینما، جامعه‌شناسی، ناهنجاری‌های اجتماعی، هویت.

۱. گروه معماری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: jabbari@saeb.ac.ir

۲. دکترای تخصصی معماری، پژوهشگر حوزه معماری و شهرسازی، عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی.

۳. دکتری، گروه معماری، هیات علمی موسسه آموزشی عالی غیر انتفاعی صائب، ابهر، ایران.

مقدمه

سال‌هاست که استیلا و تسلط یک طبقه خاص بر جامعه، دیگر از بعد اقتصادی امکان‌پذیر نیست. به اعتقاد آنتونیو گرامشی، سلطه سرمایه‌داران تنها به وسیله فاکتورهای اقتصادی تامین نمی‌شود؛ بلکه این استیلا نیازمند همه جنبه‌های اجتماعی، ایدئولوژیکی و سیاسی است. تعریفی که گرامشی در اوایل قرن بیستم از هژمونی ارائه داد، همان عملکرد امروزه رسانه را به ذهن متبادر می‌سازد. رسانه در تعریف کلاسیک خود، اولین بار توسط مک لوهان و در حوزه ارتباطات مورد استفاده قرار گرفت و به روزنامه، مجلات، کتاب، رادیو، تلویزیون و سینما اطلاق گردید. در شکل پست مدرن خود به هر آن چه بر بستر اینترنت قرار می‌گیرد و حتی بازی‌های کامپیوتری، را هم می‌توان رسانه قلمداد کرد. در حوزه رسانه با مفاهیمی هم‌چون رسانه‌های جمعی و یا رسانه‌های اجتماعی روبرو هستیم. تمامی این رسانه‌ها فاکتوری موثر در سطح جامعه جهانی محسوب می‌گردند. به طوری که سبک زندگی، عادات اجتماعی، ادبیات و حتی مسائل دینی امروزه تاثیر فراوانی از رسانه می‌گیرند (۳۰: ۱۲۳). نکته مهم میزان اثرگذاری رسانه‌های مختلف است، که مرور زمان میزان تاثیر آن‌ها را افزوده یا کاهش داده است. بر فرض مثال، امروزه روزنامه اهمیت پنجاه سال پیش را هرگز ندارد، اما تلویزیون از ابتدا رسانه‌ای بسیار محبوب بود. اگرچه در اواخر دهه ۹۰ میلادی دچار کاهش محبوبیت گردید، اما افزودن شبکه‌های کابلی و در ادامه شبکه‌های دیجیتال و تخصصی و بالاخص ورود شبکه‌های سرگرمی، دوباره نقشی مهم در فرهنگ عامه بر عهده گرفت (۳۹: ۹۴). نمودار محبوبیت رسانه‌های مجازی هم در تمام این سال‌ها و با گسترش ضریب نفوذ اینترنت در جوامع بشری روز به روز صعودی‌تر بوده است. به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران در مقام تعریف رسانه، ابتدا رسانه‌های مجازی هم‌چون اینستاگرام، فیسبوک و توییتر و ... را معرفی می‌کنند. در این بین سینما رسانه‌ای است که با تلفیق هنر، صنعت، تکنولوژی، سرگرمی، تجارت، الگوسازی و زیبایی‌شناسی، روز بروز نقشی پررنگ‌تر در میان رسانه‌ها بر عهده گرفته است (۲۲: ۷۷). در حقیقت سینما را می‌توان مهم‌ترین و یا حداقل یکی از مهم‌ترین رسانه‌های جمعی جهان خطاب کرد (۱۸: ۴). نگاه اندیشمندان و فلاسفه خود مویده میزان اهمیت این رسانه در سطح جامعه است. والتر بنیامین سینما را به خاطر آن که گسترش دهنده آزادی هنر و مخاطبان هنر است، ستایش می‌کند. در حالی که تئودور آدورنو سینما را تنها «شبه هنر» می‌نامد و آن را مطرود می‌سازد. استتلی کاول و ژیل دلوز سینما را به خاطر اندیشمند بودن و تزریق تفکر به بدنه جامعه، ستایش می‌کنند. اما ژان بودریار سینما را «هریمن شریب تصاویر» خطاب می‌کند که به دنبال وانمایی به جای بازنمایی و تبدیل واقعیت به «حاد واقعیت» است (۴۲). این تشبیه آرا نمایانگر اهمیت سینما در بدنه زندگی اجتماعی مخاطبین خود است. اثرگذاری سینما بر فرهنگ، زمینه‌های اجتماعی و جریان‌های فکری دو وجهه دارد. وجهه روشن و شفاف که سینما نقشی آموزنده در بعد تربیتی، انسانی و فرهنگی بر عهده می‌گیرد و در طرف تاریک و منفی ماجرا، ارتباط میان میزان جرم و جنایت و خشونت نمایش داده شده در سینما و میزان ابتلا به آن، در سطح جامعه

است. از منظر جرم‌شناسان و پژوهشگران جامعه‌شناسی، یکی از مواد موثر در افزایش انواع جرایم در جوامع، فیلم‌های سینمایی هستند (۱۵: ۲۴). عادی‌سازی هنجارشکنی، ایجاد امواج جرم، اشاعه فحشا و بی‌بند و باری، نمایش خشونت و پرخاشگری و نمایش عریان و بی‌پرده بسیاری از مسائل که از منظر عمومی دین و فرهنگ ایران، قبح و خط قرمز محسوب می‌شود، بر پرده سینما، باعث عادی‌انگاری و شکسته شدن آن‌ها و حتی در بسیاری از موارد، کپی‌برداری در سطح جامعه می‌شود. در همه سال‌های بعد از انقلاب و با روی کار آمدن دولت‌های مختلف، فضای فرهنگی و اجتماعی کشور روز به روز به سمت باز شدن و دوگانگی فرهنگی حرکت کرده است. سینما به عنوان یک هنر که توان بازنمایی جامعه را دارد، عهده‌دار نمایش و مستندنگاری این حرکت و جابجایی فرهنگی در سال‌های گذشته بوده است. اگر چه سینمای کشورمان در پاره‌ای از موارد از بازنمایی گذر کرده و از منظر بوردیاری به تحریف رسیده است و تفاوت‌های فرهنگی رایج با نوع هویت اجتماعی کشورمان که بر گرفته از فرهنگ ایرانی اسلامی است را، بسیار بیشتر از آن چه در واقعیت در سطح جامعه قابل مشاهده است، بازنمایی کرده است. این حرکت، سریع‌تر از اتفاقات بطن جامعه در سینما، باعث شتاب گرفتن رفتارهای فرهنگی (در این جا نوع غلط) در سطح جامعه شده است. بر این اساس پژوهشگر بر آن است تا با بررسی فیلم‌هایی که در یک دهه اخیر بر بستر اجتماعی تاثیرگذار بوده‌اند (بر اساس نظر نخبگان)، رابطه مستقیم سینما و فرهنگ در جامعه (در باب افزایش جرم) را با استفاده از استخراج شاخصه‌ها و پرسشنامه مورد بررسی قرار دهد. در واقع هدف از این پژوهش شناخت مولفه‌های اثرگذار سینما بر انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی است. برای تحقق این هدف دو سوال مدنظر قرار گرفته است: ۱. نقش سینما در انعکاس مولفه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی کدامند؟ ۲. مولفه‌های موثر سینما در تقویت و یا تنزل ارتباط نسل جوان به هویت‌های اجتماعی کدامند؟

پیشینه تحقیق

رزمان در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نقش رسانه‌ها در ارتکاب جرایم" با هدف بررسی اثرگذاری رسانه بر جامعه و با روش تحقیق کتابخانه‌ای و توصیفی به این نتایج دست یافته است. از آن جا که رسانه‌های گروهی بر افکار عمومی بسیار تاثیرگذار است، همکاری گروهی متخصصان رشته‌های مختلفی همچون جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، جرم‌شناسان الزامی است تا با ایجاد یک برنامه مدون به مباحث نظری از کارکردگرایی منفی رسانه جلوگیری کرده و در راستای آموزش جامعه توسط رسانه برنامه‌ریزی نمایند.

حبیب‌زاده، افخمی و نادرپور در سال ۱۳۸۸ در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نقش دوگانه رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرم" با هدف شناخت آثار مثبت و منفی رسانه‌های جمعی در پیشگیری از وقوع جرم و با روش تحقیق کتابخانه‌ای و توصیفی به این نتایج دست یافتند. رسانه‌های جمعی از یک

طرف (بسته به نحوه انعکاس حوادث و اخبار) توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع رسانی و ترویج الگوهای زندگی سالم، می‌توانند در کاهش وقوع جرم و افزایش احساس امنیت مؤثر باشند.

ریوس در سال ۲۰۱۸ در مقاله‌ای با عنوان "اثرات رسانه‌ای بر جنایت و سبک جرم" با هدف بررسی تاثیر میزان خشونت در جامعه با نمایش آن در سینما، تلویزیون و روزنامه و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بر مبنای تحلیل آماری به این نتایج دست یافت. شباهت اعمال مجرمانه مجرمین و حتی میزان خشونت اعمال شده ارتباط مستقیمی با جرایم رسانه‌ای شده از طریق چاپ در روزنامه و نمایش بر پرده سینما دارد.

حافظ در سال ۲۰۱۷ در مقاله‌ای با عنوان "نمایش جنایات خشونت‌آمیز در سینمای بالیوود و تاثیر آن بر جامعه پاکستان" با هدف بررسی تاثیرات سینمای هند بر جامعه پاکستان و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به این نتایج دست یافت. نمایش بعضی از جرایم در فیلم‌ها و تاثیرات آن بر جامعه مخاطبانش آن چنان سریع هم نیست. از این رو یک فاصله شش ساله بین بازه زمانی فیلم‌ها و جرایم اتفاق افتاده باید در نظر گرفت. در یک فرآیند چند ساله، این جرایم تبدیل به الگو می‌گردد. میزان محبوبیت فیلم در جامعه مخاطب با نسبت اثرگذاری و الگوبرداری آن، رابطه مستقیم دارد.

کوبراک در سال ۲۰۲۰ در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر فیلم‌ها: تغییر در نگرش جوانان پس از تماشای فیلم" با هدف بررسی اثرپذیری جوانان از آثار سینمایی و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به این نتایج دست یافت. تاثیرات فیلم‌های سینمایی در حوزه‌های عاطفی و روان‌شناسی در رده‌های مختلف سنی، بسیار متفاوت است. برای مثال قشر جوان در حوزه عاطفی تاثیر فوق‌العاده بالایی از فیلم‌ها می‌گیرد، این در حالی است که در رده میانسالی این تاثیرپذیری بسیار کمتر است. تماشای یک فیلم تاثیر آن چنانی بر تغییر نگرش ندارد و یا مرور زمان این تاثیر را کاهش می‌دهد و لازمه اثرگذاری طولانی مدت، تماشای چندین فیلم می‌باشد.

مبانی نظری

جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسان تلاش کرده‌اند تا از طریق کشف تأثیر ساختارها و نهادهای اجتماعی، میزان جرم را تشریح کنند. برای مثال، جامعه‌شناسان جرم را به خرده فرهنگ‌های اجتماعی یا بی‌نظمی اجتماعی مرتبط دانسته و برای درک پویایی این موضوع، از پیش شرط فرد به عنوان عامل اصلی، استفاده می‌کنند و بر انگیزه‌های منحصر به فرد فردی برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی متمرکز هستند. در تعریف جامعه‌شناسی می‌توان این‌گونه بیان داشت که: جامعه‌شناسی هم چون شعر حافظ «سهل ممتنع» است. سهل به این معنی که جامعه‌شناسی را در ساده‌ترین شکلش می‌توان بررسی، درک، شناخت و فهم جامعه

یا اجتماعی یعنی یک مجموعه تشکیل شده از انسان‌هایی که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، تعریف کرد. ممتنع از این بابت که اساساً برای پدیده‌ای به نام جامعه‌شناسی نمی‌توان یک تعریف جامع و مورد توافق در نظر گرفت که در چند سطر و یا صفحه هم بتوان جامعه‌شناسی را خیلی دقیق و روشن تعریف و آن تعریف مورد توافق همه جامعه‌شناسان قرار گیرد. سه نگاه متفاوت در قبال این که جامعه، فرد و جامعه‌شناسی چیست، وجود دارد که به سه صاحب‌نظر تعلق دارد و در حقیقت بنیان جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهد و عبارتند از: الف) کارل مارکس، ب) امیل دورکهایم و ج) ماکس وبر. پاسخ‌هایی که این سه صاحب‌نظر به پرسش‌های بنیادین داده‌اند، دانشی را تشکیل می‌دهد که امروزه به نام جامعه‌شناسی می‌شناسیم (۴۳: ۳۸). پاسخ‌های آن‌ها سه نوع مشرب به وجود آورده که به همراه مشرب چهارم، چهار ستون جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهد. مشرب نخست، توسط دورکهایم به وجود آمده که مکتب کارکردگرایی است. مشرب دوم، توسط مارکس و بعد از او توسط جامعه‌شناسان مارکسیست، شکل گرفته به نام مکتب مارکسیسم شهرت یافت. مشرب سوم توسط وبر پایه‌گذاری شد و به نام نظریه کنش اجتماعی معروف است. مشرب چهارم به نام نظریه روابط متقابل یا جامعه‌شناسی تبیینی (تعامل‌گرا) است. در نگاه کلی در یک سو طیف دورکهایم و مارکس و در طرف دیگر طیف تلقی‌گرایان، معناگرایان یا فردگرایان هستند. وبر در میانه طیف قرار دارد. جامعه‌شناسی مارکسیسم و کارکردگرایی را جامعه‌شناسی ساختارگرایی گویند؛ چرا که به جامعه به عنوان یک ساختار نگاه می‌کند (۲۰: ۱۵). در جمع‌بندی کلی، از دید دورکهایم و مارکس شناخت جامعه یعنی شناخت ساختارها و مناسبات اقتصادی، روابط سیاسی، شناخت طبقات و لایه‌های اجتماعی، کنش‌ها و واکنش‌ها، رقابت‌ها، همکاری‌ها، تضادها و همدلی‌ها و وفاق‌های آنان با یکدیگر. مجموعه این‌هاست که جامعه را می‌سازد. وبر ضمن آن که جامعه را می‌بیند؛ اما به سراغ فرد هم می‌رود. به نوعی جامعه را در تعامل میان این دو می‌بیند. و سرانجام مشرب چهارم، مشرب معنی، تلقی یا به قول عرفا، معنا. این مشرب که در اصل ریشه در جامعه‌شناسی وبر دارد، از تفکرات وی فراتر رفته و اساساً چیزی به نام جامعه را نمی‌بیند. بلکه فرد و نقش‌آفرینی او را اساس و پایه تشکیل جامعه و مناسبات اجتماعی می‌داند (۱۰: ۲۵).

جرم

تعریف جرم متأثر از روش بحثی است که در رشته مربوطه اتخاذ می‌گردد. در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی که مبتنی بر روش تحقیق عمدتاً تجربی و استقرایی هستند، تعریف جرم نیز از این روش تبعیت می‌کند، اما در حقوق کیفری که با محوریت قانون تبیین می‌شود، تعریف جرم با چالش جدی مواجه است و احتمالاً تعریفی مصنوعی و از پیش تعیین شده در انتظار واژه جرم است؛ به گونه‌ای که تعریف یا عدم تعریف آن در حقوق کیفری یکسان است. جرم از تصورات پیچیده است که نه تنها اجزای تشکیل دهنده تعریف آن در رشته‌های مختلف علوم انسانی متفاوت است، بلکه این اجزاء

قطعیت و جزمیت کافی نداشته، در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف دچار حذف و اضافه می‌شوند. به همین دلیل اشخاصی مثل کر، حقوقدان فرانسوی، در تعریف جرم تردید می‌کنند. به نظر وی، چون جنایت بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند، لذا بر طبق یک عمل، قابل توصیف نیست و حتی می‌توان گفت که علی‌رغم تناقض و تضادی که ممکن است با اخلاق هم داشته باشد که باز آن هم همه جا قراردادی است، نمی‌توان آن را تعریف نمود (۲۴: ۴۵).

جرم پدیده‌ای اعتباری و ذهنی است که ماهیتاً قابل شناسایی نیست؛ زیرا آن چه جامعه آن را سرزنش‌آمیز، افراد آن را قبیح و قانون‌گذار آن را قابل کیفر می‌داند، صرفاً یک مضافی است که جامعه آن را اعتبار کرده تا به مضاف‌الیه‌م که همان رفتارهای قابل کیفر هستند و به تفکیک مشخص شده‌اند، وارد شود. به عبارت دیگر، آن چه ماهیتش قابل تعریف است، جرایم هستند، نه جرم که آن‌ها نیز بر حسب ارکان و شرایطشان تعریف می‌شوند؛ مثلاً اختلاس جرمی است که به موجب آن کارمند دولت، اموال دولتی یا اموال اشخاص را که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده، برداشت و تصاحب نماید یا هزینه‌نگاری جرمی است که بر اساس آن شخصی محتویات مستهجن را تولید نماید یا انتشار دهد؛ در واقع لفظ جرمی قیدی است بر هموارسازی یک تعریف و الا بدون آوردن این اصطلاح نیز جرایم قابل تعریف‌اند؛ مثلاً اختلاس عبارت است از برداشت و تصاحب اموال دولتی یا اموال اشخاص توسط کارمند دولتی که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده است. یا هزینه‌نگاری عبارت است از تولید یا انتشار محتویات مستهجن. اما چون هر دو رفتار قابل کیفرند، جرم محسوب می‌شوند (۳: ۱۸۳). برخی نویسندگان، مقوله تعریف جرایم را جایگزین تعریف جرم کرده و آن را گفتاری از حقوق کیفری اختصاصی دانسته‌اند تا حقوق کیفری عمومی. در نظر اینان، دو رویکرد در تعریف جرایم وجود دارد: رویکرد توصیفی که مقنن ضمن تبیین قواعد رفتاری بر اساس سه اصل شفافیت، قطعیت و سازگاری، اوامر و نواهی را که همان عناوین مجرمانه هستند، دقیقاً به شهروندان گوشزد کند. رویکرد اخلاقی بدون توجه به واقعیات و ارزش‌ها و بی‌اعتنا به تفکیک بین حقوق کیفری از اخلاق به نحوی که در رویکرد توصیفی مطرح است، به وضعیت پیش از جرم‌انگاری نظر داشته، حقوق کیفری را ابزاری برای تعریف گزاره‌های اخلاقی می‌داند و در واقع، حقوق کیفری بلندگوی اخلاق است تا دولت و جرایم را نه از بابت نظم عمومی و یا امنیت اجتماعی که از دریچه اخلاق تعریف می‌کند؛ به عنوان نمونه سرقت به دلیل این که خلاف درستکاری و صداقت و قتل به جهت این که مغایر با حیات انسانی است، جرم هستند (۱۱: ۱۰-۱۴).

ماهیت فرهنگی جرم و انواع آن

وجه اشتراک تمامی نظریه‌های هنجاری در این است که بر وجود وفاقی بنیادی بر سر ارزش‌ها و هنجارهای موجود و پذیرفتنی در جامعه تاکید می‌کنند. در مقابل این دیدگاه نظریه‌های تعارض وجود دارد که بر محوریت وجود تعارضات اجتماعی و فرهنگی در روابط و ساختارها و نهادهای اجتماعی تاکید دارند.

تفاوت و تمایز این تبیین‌ها در نگرش آنان به نظم اجتماعی است. تعارض و تضاد میان خرده فرهنگ‌های موجود در جامعه، موجب گسست در نظام ارزشی و تشدید شکاف و تعارض فرهنگ‌ها می‌شود. تضاد و تعارض فرهنگی و گسست ارزشی در نظام‌ها و فرآیندهای موثر در جامعه‌پذیری، عوامل اصلی به وجود آمدن جرم در درون جامعه به شمار می‌روند (۹: ۲۰۸). دیدگاه‌های تضاد، منکر، وفاق یا حتی توافق درباره ارزش‌ها و هنجارها هستند. ناهمنوایی با نظام فرهنگی و اجتماعی و نقض ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بدین معنی است که فرآیندهای جامعه‌پذیری و ادغام فرد در جامعه با آسیب مواجه است و فرهنگ جامعه در تعارض با فرهنگ رسمی و عمومی قرار دارد. این تعارض بستر مناسبی را برای تشدید مقاومت‌های فرهنگی در برابر فرهنگ رسمی فراهم می‌آورد و وفاق و همبستگی اجتماعی را که عامل مهم پیشگیری از جرم است تهدید می‌کند (۳۷: ۷۹-۷۸). در این راستا مهم‌ترین نظریات ارائه شده به شرح جدول (۱) می‌باشد.

جدول شماره (۱): نظریات در باب ماهیت فرهنگی جرم

نام نظریه	نظریه پرداز	شرح
هنجاری	دورکهایم، مرتن و پارسونز،	نظریه‌های هنجاری در تحلیل رفتارهای مجرمانه وجود وفاق فرهنگی و ارزشی را مبنای تحلیل قرار می‌دهند. در این دیدگاه جرم و انحراف، نتیجه شکاف در انسجام و ادغام اجتماعی است (۲۷: ۸۰).
بی‌سازمانی اجتماعی	مرتن	از دیدگاه نظری، اهداف و آرزوهای عمومی متفاوت و بر حسب درجه توسعه جوامع، در توجه عموم مردم هستند و جوامع دست‌یابی به آن اهداف را ترویج می‌کنند (۲۷: ۵۱). مرتن آنومی را فشاری می‌داند که به هنگام ستیز اهداف و هنجارهای پذیرفته شده جامعه با واقعیت‌های اجتماعی بر افراد وارد می‌آید. در این تبیین از پدیده مجرمانه، جرم نتیجه نارسایی‌های موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه است (۳۵: ۳۲۸).
گسست اجتماعی	پارسونز	جرم، ناشی از ناتوانی فرد برای اجتماعی شدن و تطبیق با نظام اجتماعی است. از دیدگاه پارسونز نیز جرم ناشی از شکست روابط میان فرد و جامعه در حال گذار است و تعارض‌ها پدیده‌های آسیب‌شناسانه هستند که نشان از فساد و تباهی بدنه اجتماع دارند (۹: ۲۰۹).
کنترل اجتماعی	پارسونز	بر اساس این دیدگاه، افراد به هر دو نوع رفتار خوب و بد تمایل دارند. افرادی که همبستگی و تعلق کمتری با نهادها و ساختارهای اجتماعی دارند برای نقض هنجارها خود را آزاد می‌کنند. انحراف زمانی پدیدار می‌شود که تعهد و پیوستگی اجتماعی تحلیل رفته، تضعیف می‌شود. حضور شکننده یا ناموثر روابط و علائق بر فقدان نظارت و کنترل اجتماعی دلالت می‌کند (۲۸: ۶۰-۵۳).
تعارض فرهنگی	توستن سلین	جامعه مدرن از گروه‌های دارای هنجارهای متفاوت تشکیل شده است که توافق اندکی با ارزش‌های بنیادین جامعه دارند. وجود این تعارض است که موجب نقص هنجارهای جامعه می‌شود (۱۶: ۴۸). بر اساس این نظریه، خرده فرهنگ‌های افراد در هر حال، افراد را در مقابل فرهنگ‌های اصلی آن جامعه قرار می‌دهد. کسی که خود را میان هنجارهای فرهنگ اصلی خود و هنجارهای فرهنگ حاکم در جامعه معلق می‌بیند، از فرهنگ و دستوراتی پیروی می‌کند که خود را به آن نزدیک‌تر و آنرا برای خود آشنا تر می‌بیند (۲۶: ۱۳).
انتقال فرهنگی	کلیفورد شاو و هنری دی. مک کی	تئوری بی‌سازمانی بر این باور است که برخی از اجتماعات به دلیل اختلال در فرآیندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی قادر به خود تضمینی موثر نیستند (۹: ۲۱۰). برخی از ساکنان از کنترل‌های اجتماعی هنجارهای طولانی مدت پیروی نخواهند کرد. چون به درک ارزش‌های مشترک قادر نیستند و در نتیجه نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها یا توافقات سلسله‌مراتبی را در میان اعضای‌شان ایجاد یا حفظ کنند (۳۷: ۱۴۲-۱۴۵).

رسانه

اعتبار واژه رسانه به گفته توماس ولف باید به مارشال مک لوهان تعلق یابد. مک لوهان اولین بار از واژه رسانه در سال ۱۹۵۴ استفاده کرد. او در این دهه تنها کسی بود که این واژه را به رسمیت می‌شناخت. این در حالی است که در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا در رابطه با رسانه‌های جمعی بحث بین اندیشمندان داغ بود (۸: ۱۷۶). به اعتقاد مک لوهان هر آن چه قابلیت انتقال پیام را داشته باشد، می‌توان رسانه قلمداد کرد. طبق تعریف او، حتی دودی که برای انتقال پیام در اقوام بدوی مورد استفاده بود، یک جور رسانه محسوب می‌گردد. نکته بسیار مهم در باب مفهوم رسانه از دیدگاه مک لوهان آن بود که رسانه یک اسباب بازی نیست و بلکه در دهکده جهانی، ابزاری است هنری در دست هنرمند برای انتقال مفاهیم و پیام‌های مشخص. رسانه با گذر زمان دارای شاخه‌های متنوعی هم چون رسانه‌های جمعی، رسانه‌های خبری، رسانه‌های دیجیتال و یا رسانه‌های اجتماعی گردید که هر کدام طیف مختلفی از مخاطبین را با نوع هدفی خاص تحت پوشش قرار می‌دادند. اما رسانه و نقش آن در برابر جامعه موضوعی چالش‌برانگیز میان اندیشمندان و یا نظام‌های حکومتی، در همه این سال‌ها بوده است به گونه‌ای که هر کدام نسخه‌های متفاوتی برای رسانه می‌پیچیدند. مهم‌ترین این نقش‌ها که در قالب نظریات و تئوری‌های رسانه‌ای عنوان شده‌اند، عبارتند از:

- نظریه هنجاری رسانه: نظریه‌های هنجاری به تشریح بایدها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی یا به عبارتی، نظام‌های کنترل و مدیریت رسانه‌ها می‌پردازد. نحوه کنترل و مالکیت رسانه‌ها، بر محتوای آن‌ها اثر می‌گذارد، و این امر، به نوبه خود اثرات رسانه‌ها را معین و مشخص می‌سازد.
- نظریه اقتدارگرا: در این نظریه، رسانه‌ها نقش آمرانه‌ای برای اعمال قدرت در جامعه دارند. فقدان استقلال رسانه‌ها و وابستگی آن‌ها به دولت، از جمله ویژگی‌های نظام اقتدارگرای رسانه‌ای است. بر پایه این نظریه، حقیقت و قدرت دو روی یک سکه‌اند.
- نظریه مطبوعات آزاد: در نظریه مطبوعات آزاد، اصل بر آزادی اظهارنظر و نقد است. تأکید بر آزادی برای مبارزه با سانسور، کاهش اختلاف در جامعه، اصلاح اشتباهات است.
- نظریه مسئولیت اجتماعی: در این نظریه، اصل بر ایجاد پیوند میان «استقلال و آزادی رسانه‌ها» و «وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی» آن‌هاست که تأکید می‌کند رسانه‌ها باید در عین پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیت‌های خود مسئولیت نیز داشته باشند و وظایف اجتماعی خود را محدود به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها ندانند.
- نظریه رسانه‌های شوروی: اساس نظریه رسانه‌های شوروی (نظریه مسلکی و ایدئولوژیک) بر این است که تمام رسانه‌ها باید تحت کنترل طبقه کارگر و در نهایت حزب کمونیست باشند. از این رو، رسانه‌ها عمدتاً باید یکدست باشند و تعارض‌های سیاسی در جامعه را منعکس نکنند.

- نظریه‌های توسعه‌بخش: این نظریه که بیشتر در کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است، واکنشی نسبت به نابرابری ارتباطات و عدم تعادل اطلاعات است.

- نظریه‌های دموکراتیک- مشارکت کننده: نظریه‌های دموکراتیک- مشارکت کننده با ایجاد جامعه‌توده‌وار مخالف است و در مقابل، از حق کاربرد رسانه‌ها در مقیاس‌های کوچک اجتماعی دفاع می‌کند (۲۵: ۱۱۸-۱۰۵).

رسانه و جرم

در اواخر مدرنیسم و همزمان با رشد چشمگیر تاثیرات رسانه در همه ابعاد اجتماعی زندگی نوع بشر، علوم جدیدی به نام جرم‌شناسی فرهنگی پا به عرصه دانش جهانی گذاشت. جرم‌شناسی فرهنگی اشاره به تحلیل در حال رشدی دارد که بر مبنای آن امروزه بسیاری از جرم‌شناسان، نظر به نقش موثر در ساختارهای فرهنگی و به ویژه رسانه‌های جمعی در وقوع جرم دارند (۱۲: ۳۹۶). ریشه توجه به نقش رسانه بر میزان جرم، به تحقیقات جرم‌شناسی که اولین بار در دانشگاه بیرمنگام در دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد، بر می‌گردد. تحقیقاتی که منجر به شکل‌گیری جرم‌شناسی نوین در بریتانیا گردید. این تحقیقات بعدها در آمریکا و با تغییر سبک از دوگانه‌های مدرنیستی شکل و محتوا، به رویکردی پست مدرنیستی تبدیل گردید. این مفهوم بدان معنا بود که به جای بررسی صرف رسانه، باید عوامل متعددی هم چون عوامل کنترل کننده، مخاطب، شبکه‌های رسانه‌ای، صحنه جرم، بازنمایی، رسانه و اخبار نیز در بازآفرینی یک جرم بررسی گردد.

در باب رسانه و جرم دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که حتی بعضی در تضاد با یکدیگر هستند. یکی از مرسوم‌ترین این دیدگاه‌ها، نگاه بسیار منفی برخی اندیشمندان هم چون آدورنو و بوردیار است که رسانه را تهدیدی برای اخلاق و جامعه تلقی می‌کنند. دیدگاه دیگر، دیدگاهی انتقادی و پست مدرنیستی است که رسانه را با مفهوم هژمونی گرامشی و بحث نظام سرمایه‌داری مورد سنجش قرار می‌دهد. مفهوم هژمونی مشخص کننده تقسیم منافع درون ائتلاف قدرت است (۳۲: ۷۷-۷۵) یعنی شرایطی که یک طبقه اجتماعی از طریق آن تسلط بر دیگر طبقات اجتماعی را به دست می‌آورد (۲۹: ۹۳). در این تفکر رسانه نقش تولیدکننده فرهنگ عامه را برعهده دارد و در راستای سود نظام سرمایه‌داری عمل می‌کند. یک دیدگاه خنثی هم در باب رسانه است که به نظر بسیاری از اصحاب رسانه، به ویژه تولیدکنندگان سرگرمی، نمایش جرم در رسانه هیچ تاثیری بر میزان ابتلای جامعه به جرم ندارد (۲۱: ۲۷۰-۲۶۸). در دیدگاه چهارم فارغ از نظریات خوشبینانه و بدبینانه فلاسفه و یا هژمونی لیبرالیسم، نگاهی عملکردگرا به رابطه مستقیم جرم و رسانه وجود دارد. در این دیدگاه شواهدی که از تجربه‌های اتفاق افتاده در سطح جامعه وجود دارد و میزان انطباق آن‌ها با نمونه رسانه‌ای آن، گویای میزان این اثرگذاری می‌باشد. در این پژوهش سینما به

عنوان مهم‌ترین رسانه اثرگذار بر بطن جامعه، مورد بررسی قرار می‌گیرد و دیدگاه چهارم به عنوان نظریه غالب مد نظر می‌باشد.

سینما و بازنمایی جرم

سینما از لحاظ ساختاری بر مکانیزم بازنمایی بنا شده است. نظریه بازنمایی اولین بار در تفکرات فوکو نمود پیدا کرد. از منظر فوکو بازنمایی همیشه در یک گفتمان صورت می‌پذیرد و گفتمان تایید می‌کند که درباره یک متن خاص چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت (۴۰: ۲۴). اگرچه در بازنمایی سوالات مهمی هم چون چه کسی (ایدئولوژی کارگردان)، چه گروهی (جامعه هدف) و به چه شیوه‌ای (سبک ارائه) مطرح است. یکی از جنبه‌های عمومی جوامع مدرن خشونت و لجام گسیختگی آن چه در بعد کالبدی و چه در بعد جامعه‌شناسانه است. تابوشکنی و گذر از خط قرمزها، حتی شاید در بعضی از جوامع تبدیل به سرگرمی شده است و گسترش و ظهور رسانه‌های جدید اجتماعی بالاخص به این میل، یعنی هنجارشکنی، دامن می‌زنند و از طرف دیگر تقابل سنت و مدرنیته و فرهنگ غربی و فرهنگ ایرانی-اسلامی باعث بروز دوگانه‌های فرهنگی فراوانی شده است که خود یکی از دلایل بروز جرم در جامعه است. اندیشمندان بر آنند که رسانه‌ها مسائل اجتماعی را تعریف و تبدیل به متن می‌کنند. مسائلی هم چون مواد مخدر، اعتیاد، قاچاق و تولید کنندگان مواد، جرایم سازمان یافته، دزدی، شرارت، زد و خورد‌های فیزیکی، طلاق، فرار از خانه و ... از جمله مسائلی در حوزه آسیب‌های اجتماعی هستند که سینما به آن‌ها ورود کرده و چهارچوب محتوای خود را بر مبنای آن‌ها بنا می‌کند. رسانه‌ها ایده‌هایی را نیز درباره میدان این مسائل مطرح می‌کنند و به تصورات درباره شیوه‌های مناسب تعدیل رسمی و غیررسمی این مسائل شکل می‌دهند (۷: ۲۲۳-۲۲۲). در مجموع سینما به عنوان رسانه‌ای موثر می‌تواند در انحرافات اجتماعی نقشی موثر داشته باشد. این انحرافات چه در حوزه آموزش جرم (برای مثال نحوه دزدی) و یا عادی‌سازی هنجارشکنی و ... می‌تواند باشد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

تحلیل جرم شناختی فیلم‌های سینمایی در بستر جامعه‌شناسی

ویژگی‌های دموگرافیک مجرمان در فیلم‌های سینمایی

برای شناخت متغیر مستقل و فاکتورهای موثر آن، در جدول (۲) ویژگی‌های دموگرافیک مجرمان نقش اصلی در فیلم‌های منتخب به تفکیک سن، تأهل، وضعی طبقاتی و تحصیلات به تفکیک جنسی نشان داده شده است. بنابر داده‌های جدول، به طور کلی ۱۸۳ مجرم نقش اصلی در ۵۰ فیلم مورد بررسی، نمایش داده شده که ۱۱۳ نفر آن‌ها مرد (۶۱ درصد) و ۷۰ نفر آن‌ها زن (۳۹ درصد) بوده‌اند. به لحاظ سنی، بیشترین تعداد مجرمان فیلم‌ها متعلق به رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با فراوانی ۳۳/۹ درصد و پس از آن متعلق به سنین ۲۱ تا ۳۰ سال با فراوانی ۲۴ درصد بوده است. به لحاظ جنسیتی، بیشترین مجرمین زن

به رده سنی ۲۱ تا ۳۰ سال تعلق داشته‌اند (۳۵/۷ درصد)، در حالی که مردان مجرم فیلم‌ها بیشتر به رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال تعلق دارند. به لحاظ وضعی تأهل، ۴۲/۱ درصد مجرمان فیلم‌ها مجرد، ۲۶/۸ درصد متأهل و ۱۷/۵ درصد مطلقه بوده‌اند. بنابراین، از نگاه فیلم‌ها عامل تجرد امکان سوق دادن به جرم را بیشتر می‌کند و این مساله هم بین زنان و هم مردان امری مشترک است. نگاهی به آمار تفکیک شده زنان و مردان نمایانگر آن است که جرم از نگاه این فیلم‌ها بیشتر به طبقه پایین جامعه تعلق دارد.

جدول شماره (۲): خصوصیات دموگرافیک مجرمین فیلم‌های منتخب

متغیرها	شاخص‌ها	شخصیت نقش اصلی فیلم				جمع کل	
		مرد		زن			
		فرآوانی درصد	فرآوانی درصد	فرآوانی درصد	فرآوانی درصد		
سن	زیر ۲۰ سال	۱۱	۹,۷	۵	۷,۱	۱۶	۸,۸
	۲۱ تا ۳۰ سال	۱۹	۱۶,۸	۲۵	۳۵,۷	۴۴	۲۴
	۳۱ تا ۴۰ سال	۳۸	۳۳,۶	۲۴	۳۴,۴	۶۲	۳۳,۹
	۴۱ تا ۵۰ سال	۳۲	۲۸,۴	۹	۱۲,۸	۴۱	۲۲,۴
	۵۰ سال به بالا	۱۳	۱۱,۵	۷	۱۰	۲۰	۱۰,۹
	جمع کل	۱۱۳	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۱۸۳	۱۰۰
تاهل	مجرد	۴۲	۳۷,۲	۳۵	۵۰	۷۷	۴۲,۱
	متاهل	۳۶	۳۱,۹	۱۳	۱۸,۶	۴۹	۲۶,۸
	مطلقه	۱۳	۱۱,۵	۱۹	۲۷,۲	۳۲	۱۷,۵
	نامشخص	۲۲	۱۹,۴	۳	۴,۲	۲۵	۱۳,۶
	جمع کل	۱۱۳	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۱۸۳	۱۰۰
وضعیت طبقاتی	طبقه پایین	۵۶	۴۹,۶	۳۱	۴۴,۳	۸۷	۴۷,۵
	طبقه متوسط	۱۸	۱۵,۹	۱۶	۲۲,۸	۳۴	۱۸,۶
	طبقه بالا	۳۹	۳۴,۵	۲۳	۳۲,۹	۶۲	۳۳,۹
	جمع کل	۱۱۳	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۱۸۳	۱۰۰
وضعیت تحصیلی	زیر دیپلم	۲۶	۲۳	۱۷	۲۴,۳	۴۳	۲۳,۵
	دیپلم	۳۳	۲۹,۲	۲۲	۳۱,۴	۵۵	۳۰
	دانشگاهی	۳۹	۳۴,۵	۲۸	۴۰	۶۷	۳۶,۷
	نامشخص	۱۵	۱۳,۳	۳	۴,۳	۱۸	۹,۸
	جمع کل	۱۱۳	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۱۸۳	۱۰۰
وضعیت شغلی	شاغل	۶۵	۵۷,۵	۱۳	۱۸,۶	۷۸	۴۲,۶
	بیکار	۴۲	۳۷,۲	۵۳	۷۵,۷	۹۵	۵۱,۹
	نامشخص	۶	۵,۳	۴	۵,۷	۱۰	۵,۵
	جمع کل	۱۱۳	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۱۸۳	۱۰۰

فراوانی جرایم شخصیت‌های اصلی و نوع جرم

در این پژوهش، نوع جرایم اتفاق افتاده توسط شخصیت‌های اصلی به تفکیک جنسی مجرم (زن و مرد) و همچنین نحوه ارتکاب جرم (عمدی و سهوی) مورد بررسی قرار گرفت که بنابر داده‌های جدول (۳)، در مجموع ۲۱۱ مورد ارتکاب جرم در فیلم‌ها شناسایی شد که موارد جرایم عبارت بودند از: خرید، فروش و مصرف مواد مخدر، پارتی و مهمانی، ازدواج سفید، خیانت زناشویی، اجبار همسر به تن‌فروشی، روابط جنسی نامشروع، تن‌فروشی، تجاوز جنسی، قتل، ضرب و جرح، آدم ربایی و گروگان‌گیری، قاچاق انسان، سقط جنین، تیراندازی، جشن طلاق، رباخواری، جعل سند، سرقت و کیف قاپی، اخاذی، کلاهبرداری، قاچاق کالا، اختلاس، خرید اموال مسروقه، خرید و فروش اسلحه، پناهندگی سیاسی، نصب و استفاده از ماهواره، مزاحمت‌های خیابانی، مصرف الکل، شرط‌بندی و قمار.

جدول شماره (۳): فراوانی جرم‌های شخصیت‌های اصلی

درصد	فراوانی	جنسیت مجرم				نوع جرم
		زن		مرد		
		سهوی	عمدی	سهوی	عمدی	
۹,۱	۱۹	۴	۶	-	۹	مواد مخدر (خرید، فروش، مصرف)
۷,۱	۱۵	۱	۴	-	۵	جرایم اخلاقی
		-	۲	-	۳	ازدواج سفید
۱۴,۲	۳۰	-	۴	۱	۷	خیانت زناشویی
		-	-	-	۱	اجبار همسر به تن‌فروشی
		-	۳	-	۷	جرایم جنسی
		-	۴	-	-	روابط جنسی نامشروع
۳۱,۳	۶۶	-	-	۱	۲	تن‌فروشی
		-	-	۱	۲	تجاوز جنسی
		۱	۲	۲	۱۱	قتل
		۲	۴	۶	۹	ضرب و جرح
		-	۱	۱	۶	جرایم جنایی
		-	-	-	۲	آدم ربایی و گروگان‌گیری
		-	۴	-	-	قاچاق انسان
۱,۹	۴	-	۱	-	۱	سقط جنین
		-	-	-	۲	تیراندازی
		-	۶	۱	۸	جشن طلاق
۲۰,۸	۴۴	-	-	-	۲	تابوشکنی و ضد فرهنگی
		-	۱	-	۲	رباخواری
		-	۱	-	۲	جعل سند
		۴	۵	۵	۷	سپرت و کیف قاپی
		-	۲	-	۳	اخاذی
-	-	۳	-	۴	کلاهبرداری مالی	

				۳	قاچاق کالا	
				۲	اختلاس	
				۳	خرید اموال مسروقه	
۱٫۹	۴	-	-	۱	خرید و فروش اسلحه	جرایم امنیتی
		-	۲	۱	پناهندگی سیاسی	
		-	۵	۶	نصب و استفاده از ماهواره	
		-	-	۵	مزاحمت‌های خیابانی	جرایم عمومی
۱۳٫۷	۲۹	۱	۳	۱	مصرف الکل	
		-	-	۲	شرط‌بندی و قمار	
۱۰۰	۲۱۱	۱۳	۶۲	۱۸	۱۱۸	جمع فراوانی

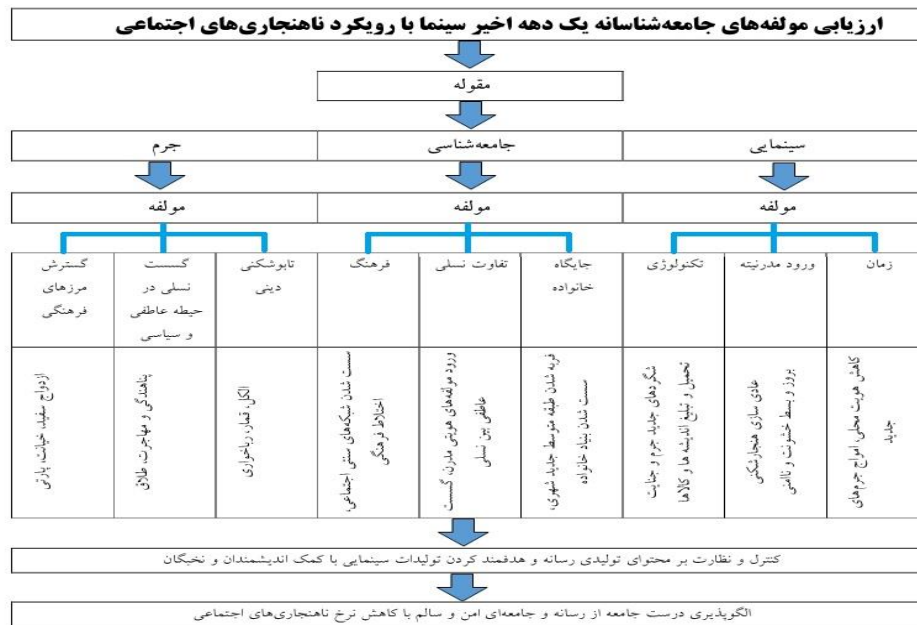
در هر فیلم ۴/۲۲ جرم نمایش داده شده و بیشترین میزان جرایم بازنمایی شده در فیلم‌ها مربوط به جرایم جنایی با ۳۱/۳ درصد و سپس جرایم مالی با فراوانی ۲۰/۸ درصد و جرایم جنسی با ۱۴/۲ درصد بوده است. به لحاظ مقایسه جنسیتی اما، آمار مردان به وجه معناداری در جرایم مالی و جنایی از زنان بیشتر بوده و تقریباً دو برابر است. بنابر داده‌های جدول، میزان ۶۴/۵ درصد جرایم توسط مردان و مابقی یعنی ۳۵/۵ توسط زنان اتفاق افتاده است. ۸۵ درصد جرایم به صورت برنامه‌ریزی شده و عمدی بوده و ۱۵ درصد نیز به صورت سهوی و اتفاقی رخ داده است. فیلم‌ها گرایش زیادی به نمایش جرایم جنسی و مالی به صورت برنامه‌ریزی شده دارند و تقریباً جرایم اتفاقی و سهوی بسیار ناچیز هستند. اما در حوزه جرایم جنایی، آمار جرایم سهوی نسبت به کل بسیار بیشتر از دو حوزه قبلی است.

یکی از مشکلات مهم بطن جامعه کمرنگ شدن سنت‌ها و مقوله ورود مدرنیسم به کشورمان است. جامعه ایرانی در یک دوگانگی فرهنگی گرفتار شده است. در این حوزه برخی از مظاهر زندگی مدرن هم در جامعه کشورمان نفوذ کرده و عادی‌انگاری آن‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. مسائلی هم‌چون طلاق، اعتیاد و مصرف مواد مخدر، روابط نامشروع، پارتی‌های مختلط و ... تعدادی از این موارد است. با توجه به مباحث مطرح شده در مبانی نظری، مولفه‌های تأثیرگذار در بُعد سینما، جامعه‌شناسی و جرم (جدول ۴) و نمودار مفهومی تحقیق (نمودار ۱) به صورت زیر ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۴): مولفه‌های تأثیرگذار در بُعد سینما، جامعه‌شناسی و جرم

نمونه آثار	منابع به کار رفته در جهت تشخیص شاخص	شاخص	مولفه	ردیف
رخ دیوانه، دایره زنگی	جلالی (۱۳۸۲)، شاطری پور اصفهانی و یامین پور (۱۳۹۵).	کاهش هویت محلی (تقابل با سنت)	زمان	۱
خشم و هیاهو، خط ویژه، گشت ارشاد	سلیمی و داوری (۱۳۸۵)، ریوس (۲۰۱۸)، حافظ (۲۰۱۷).	ایجاد امواج جرم‌های جدید		۲
آب نبات چوبی، دربند	حبیب‌زاده و دیگران (۱۳۸۸).	عادی‌سازی هنجارشکنی	ورود مدرنیته	۳

بروز و بسط خشونت و ناامنی	حبیب‌زاده و دیگران (۱۳۸۸)، عبدالملکی	لانتری، بعد از ظهر سگی سگی (۱۳۸۸).
تکنولوژی	شگردهای جدید جرم و جنایت	حبیب‌زاده و دیگران (۱۳۸۸)، عبدالملکی (۲۰۱۸).
	تحمیل و تبلیغ اندیشه‌ها و کالاها	لرنی و مصلحتی (۱۳۸۵)، حبیب‌زاده و دیگران (۱۳۸۸)، کوبراک (۲۰۲۰).
جایگاه خانواده	فربه شدن طبقه متوسط جدید شهری	باهنر (۱۳۸۷)، ورسلی (۱۳۸۷)، شاطری‌پور اصفهانی و یامین‌پور (۱۳۹۵).
	سست شدن بنیاد خانواده	شاطری‌پور اصفهانی و یامین‌پور (۱۳۹۵).
تفاوت نسلی	ورود مولفه‌های هویتی مدرن	هاجر (۲۰۰۵)، سلیمی و داوری (۱۳۸۵)، کوبراک (۲۰۲۰).
	گسست عاطفی بین نسلی	شاطری‌پور اصفهانی و یامین‌پور (۱۳۹۵)، مارکوزه (۱۳۶۲).
فرهنگ	سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی (سرمایه اجتماعی)	نجمی ابرنآبادی (۱۳۸۸)، شاطری‌پور اصفهانی و یامین‌پور (۱۳۹۵).
	اختلاط فرهنگی	شایگان (۱۳۹۶)، بشیر و سلیمان‌زاده (۱۳۹۳).
تابوشکنی دینی	الکل، قمار، رباخواری	بشرپور و همکاران (۱۳۹۷).
گسست نسلی در حیطه عاطفی و سیاسی	پناهندگی و مهاجرت، طلاق	صادقی و همکاران (۱۳۹۸)، صلواتی (۱۳۹۹).
گسترش مرزهای فرهنگی	ازدواج سفید، خیانت، پارتی	قنبریان (۱۳۹۶)، ابوالفضلی (۱۳۹۷)، کوبراک (۲۰۲۰).
		انعکاس، آب نبات چوبی



نمودار شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

بنابر نظر مارکس، هنر تحت تاثیر اجتماعی است که در آن خلق می‌شود. به بیان دیگر، هنر فرآورده جمعی است. از منظر این مقاله، جامعه‌شناسی سینما نوعی زیر شاخه جامعه‌شناسی هنر محسوب می‌شود و بر این عقیده است که فیلم‌های سینمایی هر دوران از شرایط اجتماعی حاکم بر همان دوران تأثیر می‌پذیرد. از این رو شناسایی جرم و تابوشکنی‌ها در آثار سینمایی، گام اول محسوب می‌شود. بدین منظور برای شناخت و تحلیل محتوای فیلم‌ها که بیشترین میزان خشونت، جرم و جنایت در آن‌ها نمایش داده شده، ۵۰ فیلم ساخته و نمایش داده شده حد فاصل سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ انتخاب شد. معیار اول برای انتخاب این آثار، پیرنگ فیلم و ارتباط آن با جرم، علل وقوع و تبعات آن بود. معیار دوم، میزان فروش فیلم‌ها، میزان محبوبیت و یا شرکت در فستیوال‌های داخلی و خارجی بود. در مرحله نمونه‌گیری با کمک و مشورت پنج متخصص این حوزه، ۵۰ فیلم انتخاب شد. علت انتخاب بازه زمانی با این گستره، آن است که به نظر یکی از صاحب‌نظران (۱۵)، فیلم‌ها برای دیده شدن و اثرگذاری، نیاز به زمان دارند. بر این اساس فیلم‌های منتخب عبارتند از:

توفیق اجباری (۱۳۸۶)، پارک وی (۱۳۸۶)، کلاهی برای باران (۱۳۸۶)، نصف مال من، نصف مال تو (۱۳۸۶)، رییس (۱۳۸۶)، دایره زنگی (۱۳۸۷)، چارچنگولی (۱۳۸۷)، همیشه پای یک زن در میان است (۱۳۸۷)، دعوت (۱۳۸۷)، زن‌ها فرشته‌اند (۱۳۸۷)، انعکاس (۱۳۸۷)، نیش و زنبور (۱۳۸۸)، سوپرستار (۱۳۸۸)، بعد از ظهر سگی سگی (۱۳۸۸)، در امتداد شهر (۱۳۸۹)، پوپک و مش ماشالله (۱۳۸۹)، پسر آدم، دختر هوا

(۱۳۸۹)، افراطی‌ها (۱۳۸۹)، تسویه حساب (۱۳۸۹)، جدایی نادر از سیمین (۱۳۹۰)، شیش و بش (۱۳۹۰)، اخلاقتو خوب کن (۱۳۹۰)، سعادت‌آباد (۱۳۹۰)، مردان مریخی، زنان ونوسی (۱۳۹۰)، اسب حیوان نجیبی است (۱۳۹۰)، خوابم میاد (۱۳۹۱)، زندگی مشترک آقای محمودی و بانو (۱۳۹۱)، من مادر هستم (۱۳۹۱)، گشت ارشاد (۱۳۹۱)، انتهای خیابان هشتم (۱۳۹۱)، هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند (۱۳۹۲)، بوی گندم (۱۳۹۲)، دربند (۱۳۹۲)، دهلیز (۱۳۹۲)، خط ویژه (۱۳۹۳)، کلاشینکف (۱۳۹۳)، نزدیک‌تر (۱۳۹۳)، رخ دیوانه (۱۳۹۴)، دوران عاشقی (۱۳۹۴)، عصر یخبندان (۱۳۹۴)، تیک آف (۱۳۹۴)، آب نبات چوبی (۱۳۹۴)، فروشنده (۱۳۹۵)، بارکد (۱۳۹۵)، خشم و هیاهو (۱۳۹۵)، لانتوری (۱۳۹۵)، حریم شخصی (۱۳۹۵)، خرگوش (۱۳۹۵)، لاتاری (۱۳۹۶)، دارکوب (۱۳۹۶).

در مرحله دوم محتوای کیفی جرم در این آثار مورد تحقیق قرار گرفت. برای شناخت انواع جرم، لیست جرایم استخراجی با دو استاد جامعه‌شناسی چک گردید. از جهت انطباق فاکتور جرم در آثار سینمایی و انطباق آن با میزان اثرگذاری بر جامعه، روایی‌سنجی به روش فن پرسشنامه انجام شده است. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. حجم جامعه آماری در این پژوهش متشکل از نخبگان حوزه‌هایی هم‌چون جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، معلمان، متخصصین علوم رفتاری و نهایتاً مردم عادی بوده که با توجه به جامعه آماری و نمونه‌گیری غیراحتمالی با حجم نمونه ۱۱۵ نفر (نخبگان و مردم عادی) به دست می‌آید که در بخش اول به منظور سنجش میزان اثرگذاری فاکتورهای مجرمانه در آثار سینمایی بر جامعه مخاطب، از نمودار مفهومی و توسط نرم‌افزار (Spps) و با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در پرسشنامه ۲۶ سؤال از افراد مدنظر پرسش گردید. سوالات به صورت طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از مخاطبان مطرح گردید. در حوزه سینما ۱۲ سؤال، حوزه جامعه‌شناسی ۱۰ سؤال و حوزه جرم ۴ سؤال مطرح گردید. سوالات حوزه سینما در رابطه با تاثیرگذاری فرهنگی سینما بر خانواده و اقوام شخص سوال شونده، سوالات حوزه جامعه‌شناسی به تاثیرات سینما بر جامعه و سوالات حوزه جرم به تاثیرات مستقیم سینما بر نوع و میزان جرم حادث شده در جامعه، می‌پرداخت. در حقیقت تمامی شاخصه‌های استخراجی جدول (۴) در معرض پرسش از جامعه آماری قرار گرفت.

روش تحلیل در این پژوهش به دو صورت است: در بخش اول ماهیت داده‌ها با استفاده از آنالیز چند متغیره مورد سنجش قرار می‌گیرد. این امر سبب شناسایی همبستگی‌های میان متغیر وابسته (سینما، جامعه و جرم هر کدام با سه متغیر مستقل) و متغیر مستقل یعنی، شاخصه‌های بیان شده در جدول (۵) می‌باشد. پایایی شاخص‌های مورد انتخاب با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ انجام شده که برای شاخص‌های بالا مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۱۴ است که به دلیل این که از ۰/۷ بیشتر است، نشان از پایایی شاخص‌ها و مشکل‌ساز نبودن آن دارد. در بخش دوم سوالات به منظور دریافت میزان تاثیر آثار سینمایی و اعمال مجرمانه در جامعه از فن افتراق معنایی استفاده شده است

یافته‌های پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل ۵۳ نفر از مردم عادی و ۶۲ نفر از نخبگان دانشگاهی در رشته‌هایی هم‌چون جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، سینما و رشته‌های مرتبط می‌باشد. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ دهندگان (خبرگان و مردم عادی) به پرسشنامه ۳۵ درصد زن و ۶۵ درصد مرد هستند. به لحاظ مشاهده آثار سینمایی به عنوان یک سرگرمی، ۵۵ درصد پاسخ دهندگان هفته‌ای سه فیلم، ۲۸ درصد بیش از سه فیلم، ۱۰ درصد هفته‌ای دو فیلم، و ۷ درصد یک یا فیلمی را مشاهده نمی‌کنند. لازم به ذکر است سریال و برنامه‌های تلویزیونی در آمار مورد ملاحظه نیست. جهت سنجش وضعیت سنی، دسته‌بندی سنی بر اساس میزان توانایی پاسخگویی به سوالات، به چهار دسته طبقه‌بندی شدند که در این بین، ۴۵ درصد افراد بین ۲۰-۳۹ سال، ۴۱ درصد بین بازه ۴۰-۶۰ سال و ۱۴ درصد پاسخ دهندگان بالاتر از ۶۰ سال سن داشتند. نتایج کلی این توصیف در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول شماره (۵): وضعیت یافته‌های توصیفی پژوهش

متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	مردم	۱۸
	زن	۱۶
جنسیت	مرد	۳۵
	زن	۱۹
جنسیت	مرد	۴۰
	زن	۳۵
سن	کل	۱۱۵
	۲۹-۳۰	۵۲
سن	۴۰-۶۰	۴۷
	بیشتر از ۶۰ سال	۱۶
سن	کل	۱۱۵
	بیش از سه فیلم	۳۲
میزان مشاهده فیلم در هفته	سه فیلم	۶۳
	دو فیلم	۱۱
میزان مشاهده فیلم در هفته	یک فیلم یا هیچ	۹
	کل	۱۱۵

- تحلیل رابطه بین متغیر وابسته جرم در جامعه و متغیرهای مستقل (مولفه‌ها)

در این بخش با استفاده از رگرسیون چند متغیره رابطه بین متغیر وابسته (سینما، جامعه و جرم هر کدام با سه متغیر مستقل) و متغیرهای مستقل (شاخصه‌های جدول ۴) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در راستای این امر، پرسشنامه‌ها به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفت. پیش‌بینی تأثیرپذیری جامعه بر اساس متغیرهای مستقل در مخاطبین در جدول شماره (۶) با استفاده از ضریب R میزان همبستگی تمامی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در پرسشنامه سنجیده شده است که معیار r نشان دهنده ضریبی

است که دامنه‌اش بین -۱ و +۱ قرار گرفته است. مقدار $0/000$ گویای عدم رابطه بین دو متغیر و +۱ رابطه مثبت و کامل و -۱ رابطه منفی یا معکوس کامل است. ضریب همبستگی سنجش رابطه حداکثری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را پیدا می‌کند و می‌تواند مشخص کند که متغیرهای مستقل تا چه حد توان تبیین واریانس وابسته را دارد. برای بررسی میزان همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره (۶): آزمون همبستگی رگرسیون میان اثرپذیری و متغیرهای مستقل در پرسشنامه

همبستگی	میانگین مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	خطای استاندارد اندازه‌گیری
$0/814^a$	$0/762$	$0/462$	$0/483$

بررسی رابطه همبستگی میزان اثرپذیری متغیر وابسته و متغیرهای مستقل در افراد جامعه برابر $0/814$ شده است که نشان دهنده آن است، از آن جایی که این عدد به سمت +۱ میل نموده، لذا همبستگی مستقیم و قوی بین متغیر وابسته و مستقل وجود دارد. مقدار مربع همبستگی در همین جدول، مجذور ضریب همبستگی است و ضریب تعیین نامیده می‌شود و در واقع بیان می‌کند؛ در تحقیق $0/762$ از تغییرات متغیر وابسته به تغییرات مجموعه متغیرهای مستقل بستگی دارد. این ضریب در واقع بیانگر آن است که در حدود $0/462$ از واریانس یا پراکندگی متغیر متغیرهای مستقل و اثرگذاری آن‌ها بر جامعه در مدل تجربی تحقیق تبیین می‌گردد و بقیه واریانس پراکندگی، توسط متغیرهایی تبیین می‌شود که در این تحقیق ما وارد نشده است. پس از بررسی کلی تاثیرات متغیرهای مستقل بر جامعه و مخاطبین، در این بخش میزان همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در جدول (۷) مورد سنجش قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۷): میزان همبستگی میان جرایم و متغیرهای مستقل در جامعه از منظر مخاطبین

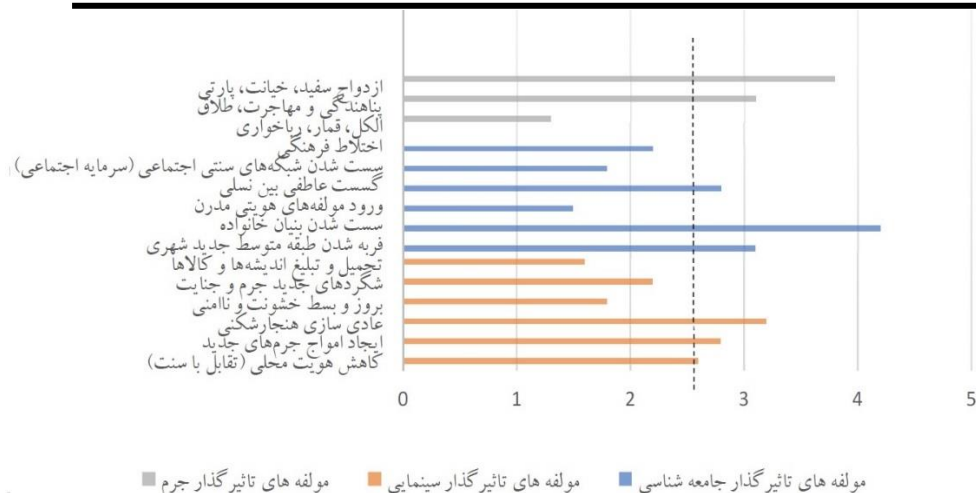
از منظر مولفه‌های سینمایی						
متغیرها	میانگین متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد		استانداردسازی ضرایب		سطح معناداری
		ضریب رگرسیون استاندارد نشده	خطای انحراف معیار	ضریب بتا	تی	
کاهش هویت محلی (تقابل با سنت)	$0/653$	$6/344$	$0/326$	$0/113$	$0/93$	
ایجاد امواج جرم‌های جدید	$0/289$	$1/212$	$0/576$	$0/12$	$0/811$	
عادی سازی هنجارشکنی	$0/132$	$0/512$	$0/543$	$0/24$	$0/762$	
بروز و بسط خشونت و ناامنی	$-0/52$	$0/501$	$0/425$	$0/152$	$0/783$	
شگردهای جدید جرم و جنایت	$0/402$	$0/614$	$0/13$	$0/52$	$0/412$	
تحمیل و تبلیغ اندیشه‌ها و کالاها	$-0/21$	$1/11$	$0/32$	$0/316$	$0/789$	
از منظر مولفه‌های جامعه‌شناسی						
فره شدن طبقه متوسط جدید شهری	$-0/19$	$1/421$	$0/645$	$-0/16$	$0/932$	

۰/۵۱۴	-۰/۶۱	۰/۴۸	۰/۳۲۲	۰/۱۸	۳/۱۳	سست شدن بنیاد خانواده
۰/۶۱۸	-۰/۷۷	۰/۳۳۸	۱/۳۲	-۰/۸۱	۴/۴۳	ورود مولفه‌های هویتی مدرن
۰/۷۸۶	-۰/۲۱۲	۰/۶۲	۰/۲۳	۰/۱۳	۳/۵۶	گسست عاطفی بین نسلی
۰/۶۷۳	-۰/۱۸	۰/۳۷۵	۰/۱۱۲	-۰/۶۹	۲/۲۳	سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی
۰/۸۲۴	-۰/۱۸	۰/۲۹۳	۰/۲۵۶	۰/۵۹	۳/۱۹	اختلاط فرهنگی
از منظر مولفه‌های جرم						
۰/۶۵۲	-۰/۱۸	۰/۴۸۲	۱/۲۳	-۰/۲۳	۳/۶۵	الکل، قمار، رباخواری
۰/۷۲۱	-۰/۱۷۷	۰/۵۱۳	۰/۶۹	۰/۱۷	۲/۴۱	پناهندگی و مهاجرت، طلاق
۰/۶۵	۰/۲۵	۰/۴۲۱	۰/۷۳	۰/۶۵	۴/۸۳	ازدواج سفید، خیانت، پارتی

تحلیل‌های انجام شده در جدول (۷) در بخش مخاطبین و در بعد مولفه‌های سینمایی نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مستقل، متغیر ایجاد امواج جرم‌های جدید، با ضریب بتا برابر ۰/۵۷۶ بیشترین تأثیر را بر متغیر نرخ وقوع جرم و پس از آن، به ترتیب عادی‌سازی هنجارشکنی، بروز و بسط خشونت و ناامنی، کاهش هویت محلی (تقابل با سنت)، تحمیل و تبلیغ اندیشه‌ها و کالاها و شگردهای جدید جرم و جنایت، در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند. در بعد مولفه‌های جامعه‌شناسی و در بین متغیرهای مستقل، فرجه شدن طبقه متوسط جدید شهری، گسست عاطفی بین نسلی، سست شدن بنیان خانواده، سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی (سرمایه اجتماعی)، ورود مولفه‌های هویتی مدرن و اختلاط فرهنگی، به ترتیب بیشترین تأثیر را دارند. در بعد مولفه‌های جرم هم پناهندگی و مهاجرت، طلاق با ضریب بتا ۰/۵۱۳ و بعد از آن الکل، قمار، رباخواری و ازدواج سفید، خیانت، پارتی بیشترین تأثیر را دارند.

تفکیک افتراق معنایی و آزمون تی تست

به منظور ارزیابی میزان تأثیر فاکتورهای سینمایی بر افزایش جرم از فن افتراق معنایی استفاده گردید و در انتها نیز با آزمون تی تست مورد سنجش قرار گرفت. گویه‌های کیفی پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌تایی لیکرت مورد سنجش واقع شد. از این رو میانگین اعدادی که کمتر و بیشتر از میانه ۲/۵ هستند، با توجه به مثبت و منفی بودن هر گویه، مورد تحلیل قرار گرفتند. ارزیابی هریک از عوامل سینمایی و جامعه‌شناختی بر میزان جرم بر اساس آزمون تی تست به شرح نمودار (۲) است.



نمودار شماره (۲): تاثیر عوامل جامعه‌شناسی و سینما در ناهنجاری‌های اجتماعی

ارزیابی فاکتورهای سینمایی و جامعه‌شناختی موثر در ارتباط با جرم

یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین افزایش جرم بر اثر عوامل سینمایی در فاکتورهایی چون: عادی-سازی هنجارشکنی، کاهش هویت محلی و ایجاد امواج جرم‌های جدید از میانه نظری عدد $2/5$ بیشتر است که حاکی از وضعیت نامطلوب این عوامل سینمایی و میزان اثرپذیری جامعه از این عوامل دارد. از سویی، میانگین افزایش جرم در عوامل تاثیرگذار جامعه‌شناسی چون: ازدواج سفید، طلاق، خیانت، پارتی و پناهندگی و مهاجرت از میانه $2/5$ بیشتر بوده که نشان از وضعیت نامطلوب این عوامل است. در بعد جامعه‌شناسی هم گسست عاطفی بین نسلی، فربه شدن طبقه متوسط شهری و سیست شدن بنیان خانواده چنین وضعیتی دارند. لذا می‌توان نتیجه گرفت تاثیر عوامل سینمایی و عوامل یاد شده در حوزه جامعه‌شناسی که بیشتر از میانه تئوری است، عوامل بحرانی در سینما هستند که می‌بایست به آن‌ها توجه ویژه داشت. همان طور که انتظار تحقیق بر تاثیر عوامل سینمایی بر میزان ابتلای جرم در جامعه بوده، با توجه به رفتار نمودار فوق این مهم بر اساس پاسخ مخاطبین، دارای اهمیت بالایی در درجات مختلف است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با توجه به مبانی نظری بیان شده به دنبال ارزیابی فاکتورها و مولفه‌های موثر سینمایی در بستر جامعه‌شناسی بر وقوع جرم بوده است. طبیعی است که بخش اعظمی از جامعه مخاطبین سینما، نسل جوان کشورمان هستند. از این رو تاسی‌پذیری و نمود این واقعیت، بر این بخش جامعه بسیار پررنگ‌تر از دیگر رده‌های سنی می‌باشد. دو سوال اصلی پژوهش در رابطه با نقش سینما در انعکاس

آنومی‌های اجتماعی و مولفه‌های موثر سینما در تقویت و تنزل ارتباط نسل جوان با هویت‌های اجتماعی بود. از این رو و برای جوابگویی به پرسش‌های پژوهش ابتدا تعدادی فیلم با شروطی که قبلاً ذکر شد و در بازه زمانی مشخص انتخاب گردید و سپس فاکتورهای موثر این فیلم‌ها، در حوزه جرم استخراج گردید، که در جدول (۳) بدان‌ها اشاره شد. از طرف دیگر نیاز به شناخت ماهیت جرم در سطح جامعه و آگاهی از شرایط جامعه‌شناختی کشور حائز اهمیت است. بنابراین مولفه‌های اجتماعی در سطح جامعه در قالب جدول (۴) تبیین گردید. برای راستی‌آزمایی پرسشنامه و ارتباط سه متغیر مستقل و وابسته، جامعه آماری تهیه گردید. این جامعه آماری متشکل از ۱۱۵ نفر بود.

یافته‌های پژوهش از جهت تاثیرپذیری جامعه از سینما با یافته‌های حافظ (۲۰۱۷)، و از لحاظ تعدد حوزه وقوع جرم با یافته‌های ریوس (۲۰۱۸)، تطابق داشت. لیکن مولفه خانواده و تاثیرپذیری فرهنگی در هیچ کدام از این دو پژوهش جایگاهی نداشت که در این پژوهش بدان‌ها پرداخته شد. در بعد جامعه-شناختی تفاوت این پژوهش با پژوهش حبیب‌زاده و همکاران (۱۳۸۸)، و رزمان (۱۳۹۶)، انتخاب یک رسانه مشخص (سینما) به عنوان مولد جرم در بطن جامعه بود. نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین، مبنا قرار دادن یک رسانه مشخص (سینما) و تاثیرات آن بر شاخصه‌هایی هم‌چون فرهنگ و خانواده می‌باشد. در باب رسانه و اثرگذاری آن بر جامعه، چهار دیدگاه مطرح گردید. دیدگاه بوردیاری که حکایت از تهدید اخلاق و جامعه توسط رسانه دارد. دیدگاه تولید فرهنگ عامه برای جامعه، دیدگاه نقشی خنثی برای رسانه و در نهایت دیدگاه عملکردگرایی در مورد رابطه مستقیم جرم و رسانه. یافته‌های پژوهش همسویی و قرابتی با نگاه بوردیاری ندارد چرا که در این صورت باید منکر تمامی دستاوردهای مفید رسانه در جامعه گردید. در باب تفکر خنثی هم واقعیت این است که این تفکر در دنیای پست مدرن امروز تفکری اشتباه و به دور از واقعیت‌های شهودی رسانه و جامعه است. اما نتایج پژوهش با دیدگاه‌های تولید فرهنگ توسط رسانه و عملکردگرایی، یعنی تاثیر مستقیم رسانه بر میزان و کیفیت آنومی‌های اجتماعی حادث شده در جامعه، هم‌منظر است و این کیفیت را می‌توان در آمارها و سطح جامعه به خوبی مشاهده کرد.

در این پژوهش سه مقوله جامعه‌شناسی، سینما و جرم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که سینما به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های هنری، توان بالقوه زیادی در خلق فرهنگ و آنومی‌های اجتماعی دارد. شیوع آنومی‌هایی هم‌چون طلاق، مصرف الکل، ابتلا به قمار، گسترش و بسط خشونت و ناامنی و شاخصه‌هایی از این دست، در فرهنگ عمومی جامعه به سرعت در حال افزایش است. در بعد اجتماعی نیز بروز گسست نسلی، عدم ارتباط عاطفی بین نسلی، جنگ سنت و مدرنیته، کاهش هویت محلی و عواملی از این دست به شدت بنیان کوچک‌ترین و در واقع مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه، یعنی خانواده را تحت‌الشعاع قرار داده است. بررسی آماری عوامل فوق و میزان رشد نمایش شاخصه‌های ذکر شده، در سینمای معاصر نمایانگر یک رابطه مستقیم بین افزایش میزان جرم، تهدید خانواده و

فرهنگ با آن چه که بر پرده سینما در حال نمایش است، می‌باشد. آن چه که بسیار مهم است از دست رفتن هویت اجتماعی نسل جوان در مواجهه با این آنومی می‌باشد. چرا که نسل جوان پایه‌گذار حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی و در واقع آینده‌سازان کشور می‌باشند و این خودبیگانگی با هویت ایرانی-اسلامی برای آنان، می‌تواند فرهنگ کشورمان ایران را با خطراتی جدی مواجه کند. کما این که در حال حاضر هم جامعه به این خطرات تا حدودی مبتلاست. رسانه شمشیری دو لبه است که طریقه مواجهه با آن امری چالش برانگیز است. در واقع رسانه به عنوان یک هنر هیچ گاه و در هیچ برهه تاریخی امری دستوری نبوده و هیچ حکومت و نظام سیاسی نتوانسته با تدوین چارچوب برای رسانه آن را محدود کند. لیکن تعهد و احساس مسئولیت نسبت به جامعه، خود بهترین ابزار برای هنرمند است، تا هنر خود را واقع‌گرایانه، مسئولانه و با احساس تعهد به هویت و فرهنگ خود بنا کند. پیامد نگاه بی‌مبالات هنرمندان هر کشوری در قبال فرهنگ و هویت اجتماعی آن کشور، ثمره‌ای جز معضلات و بحران‌های اجتماعی جامعه معاصر در بر ندارد و چراغ راهنما بودن ذات هنر و هنرمند در هر جامعه‌ای است. با توجه به پژوهش فوق می‌توان اذعان داشت که، تربیت هنرمندان متعهد، دلسوز و به دور از عقاید افراطی، در کنار مشاوره درست جرم‌شناسانه و علوم رفتاری که از طرف متخصصین این حوزه به این هنرمندان ارائه می‌گردد، می‌تواند در افزایش کیفیت آثار سینمایی (رسانه مدنظر این پژوهش) در بعد فرهنگ‌سازی کمک شایان توجهی باشد. در راستای یافته‌های پژوهش پیشنهادهاتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

الف) استفاده از نخبگان علوم مختلفی هم چون علوم رفتاری و تربیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... برای نظارت و هدایت محتوای تولیدی سینمایی در جهت بهبود وضع موجود تولیدات سینمایی.

ب) انجام پژوهش بر روی نمونه‌های موفق و آثار سینمایی خارجی که موفق به ایجاد جریان‌های مثبت فرهنگی در سطح جامعه هدف شده‌اند.

ج) پایش دقیق فیلمنامه توسط نخبگان مربوط، از منظر جامعه‌شناختی و میزان اثرگذاری فرهنگی و رفتاری پیش از مرحله تولید.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است»

منابع

1. Abdolmaleki, J. (2009). The Functional Role of Mass Media in Establishing Social security, Tehran: Jame Jam Online.
2. Abolfazli, P. (2018). Study of White Marriage in Iran, Fifth National Conference on Law and Criminal Science.
3. Alipour, H. (2010). The Nature of Crime, Journal of Law and Politics. 12(28), P.p: 177-212.
4. Bahonar, N. (2008). Media and Religion, Tehran: Radio and Television Research Center.
5. Basharpour, S., Ahmadi, S., Fallahi, V. & Einiardi, I. (2018). The Role of Moral Apathy and Anxiety Sensitivity in Predicting Alcohol Tendency in Adolescents, Journal of Cognition Psychology and Psychiatry. 5 (6), P.p: 43-56.
6. Bashir, H. & Soleimanzadeh, A. (2014). Co-Cultural Theory and Co-Cultural Groups: A Study of Armenian Relations in Iran, Journal of Intercultural Studies. 9 (21), P.p: 123-144.
7. Boyd, S. & Carter, C.I. (2010). Methamphetamine Discourse: Media, Law, and Policy, Canadian Journal of Communication. V. 35, P.p: 219-237.
8. Colombo, J.R. (2018). Colombo's all-time Great Canadian Quotations, Toronto: Stoddart.
9. Dorostan, R., Mohammadi, A., Jabbari, M. & Naser Khaki, M. (2021). Evaluation of the Sociological Components of the Sense of Security (With Emphasis on Subcultures) With a Crime Reduction Approach in Urban Design (Case Study: Main Street in Rajai Shahr, Karaj), Journal of Social Security Studies. V. 22, P.p: 201-229.
10. Dorostan, R., Zabihi, H., Asgharzadeh, A. & Gorgi, M. (2020). Evaluation of Sociological Components (Based on the Concept of Generational Rupture) Effective in Environmental Design with a Crime Prevention Approach (Case Study: The Main Street of Rajai Shahr in Karaj), Quarterly Journal of Disciplinary Geography. 8 (32), P.p: 31-58.
11. Duff, R.A. (2002). Virtue, Vice and Criminal Liability, Buffalo Criminal Law Review, V. 6, P.p: 147-184.
12. Ferrell, J. (1999). Cultural Criminology, Annual Review of Sociology, Department of Criminal Justice, Northern Arizona University. V. 25, P.p: 395-418.
13. Ghanbarian, M. (2017). Study of White Marriage in the Legal System of Iran and the West (modernity), World National Conference on Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences.
14. Habibzadeh, A., Afkhami, H. & Naderpour, M. (2009). Study of the Dual Role of Mass Media in Crime Prevention and Occurrence, Social Order Quarterly. 1 (2), P.p: 103-137.
15. Hafeez, E. (2017). Depiction of Violent Crime In Bollywood Cinema And Its Impact On Pakistani Society, Iqra University. P.p: 21-32.
16. Hughes, G. (2005). Community Crime Prevention, Quoted in the Sage Dictionary of Criminology.
17. Jalali, M.R. (2003). Political Psychology of Generation, Generation Break, By Ali Akbar Alikhani, Tehran: Research Institute of Humanities and Social Sciences, University Jihad. P.p: 81-106.
18. Kubrak, T. (2020). Impact of Films: Changes in Young People's Attitudes after Watching a Movie, Laboratory of Speech Psychology and Psycholinguistics, Institute of Psychology.

19. Lerner, M. & Maslehati, H. (2006). *Quarterly Journal of Social Security Studies*, 2 (6 & 7), Publications of the Islamic Republic of Iran.
20. Lyle, P. (2019). *Sociological Theories of Crime: Control Theory Review*.
21. Maguire, M., Morgan, R. & Rainer, R. (2015). *Oxford Encyclopedia of Criminology*, Translated by Mehdi Moghimi & Hamidreza Mohammadi, Second Edition, Tehran: Mizan Publishing.
22. Mahmood, I. (2013). Influence and Importance of Cinema on the Lifestyle of Educated Youth: A Study on University Students of Bangladesh, *IOSR Journal Of Humanities And Social Science*. 17 (6), P.p: 77-80.
23. Marcuse, H. (1983). *One-Dimensional Man*, Translated by Mohsen Moayed, Third Edition, Tehran: Amir Kabir Publications.
24. Mazluman, R. (1971). What is a Crime?, *Judicial Monthly*. 6 (66).
25. Mehdizadeh, S.M. (2017), *Media Theories, Popular Ideas and Critical Perspectives*, Publisher: Hamshahri
26. Najafi Aberandabadi, A.H. & Golduzian, H. (2017). Postmodern Criminology and its Approach to Crime and Criminal Etiology, *Journal of Criminal Law Research*. 6 (23), P.p: 9-46.
27. Najafi Aberandabadi, A.H. (2009). *New Criminalistics - New Criminology*, a Collection of Recent Articles in Criminal Sciences, Under the Supervision of Ali Hossein Aberandabadi, Tehran: Ghogh Mizan Foundation.
28. Najafi Tavana, A. & Shateripour Esfahani, S. (2012). Social Prevention of Crime in the Light of Developments Resulting from the Globalization of Culture, *Journal of Criminal Law Teachings*. No. 4, P.p: 55-84.
29. O'Brien, M. & Yar, M. (2008). *Criminology: The Key Concepts*, Routledge, First Published, USA.
30. Razman, A. (2017). Study of the Role of the Media in Committing Crimes, *Qanun Yar Legal Scientific Quarterly*. V. 1, P.p: 119-138.
31. Rios, V. (2018). *Media Effects On Crime And Crime Style*, Department Of Political Science. Purdue University, P.p: 1-23.
32. Rujek, C. (2011). *Cultural Studies*, Translated by Parviz Alavi, first edition, Tehran Sanieh Publications.
33. Sadeghi, R., Ghaffari, G. & Rezaei, M. (2015). Study of the Effect of Social Capital on the Tendency to Emigrate from Iran, *Bi-Quarterly Journal of Demographic Studies*. 4 (2), P.p: 83-108.
34. Salavati, B. (2020). *Iranian Immigration Yearbook*, Vice President for Science and Technology, Policy Research Institute of Sharif University of Technology, Iran Immigration Observatory.
35. Salimi, A. (2016). *Presenting the Model of NAJA Social Prevention Management of Juvenile Delinquency*, Case Study: Tehran, Tehran: Faculty of Command and Staff of Tehran University of Law Enforcement Sciences, (Ph. D. thesis).
36. Salimi, A. & Davari, M. (2006). *Sociology of Tilt*, Second Edition, Qom: Research Center and University.
37. Shateripour Isfahani, S. & Yaminpour, V. (2016). *Culture, Lifestyle and Crime*, First Edition, Tehran: Surah Mehr Publications.
38. Shaygan, D. (2017). *New Enchantment, Forty-Piece Identity and Mobile Thinking*, Translated by Fatemeh Valiani, sixth edition, Tehran: Farzan Rooz.
39. Silverstone, R. (2018). *Television and Everyday Life*. Routledge, London.

-
40. Story, J. (2007). *Cultural Studies on Popular Culture*, Translated by Hossein Payنده, Tehran: Agah Publishing.
 41. Versley, P. (1999). *Social Order in Sociological Theories*, Translated by Saeed Moeidfar, Tehran: Tebyan Publications.
 42. Yazdanjoo, P. (2015). *The Screening of Thought, Chapters in the Philosophy of Cinema*, Tehran: Markaz Publishing.
 43. Zibakalam, S. (2017). *Sociology in Simple Language*, 5th edition, Tehran: Rozaneh.